

Unit 4

منقار

منقار قسمت خمیده و سخت دهان پرنده است
پرنده با استفاده از منقار خود سوراخ کوچکی در زمین حفر کرد

نم دار

اگر چیزی نم دار باشد ، تا حدودی مرطوب است

موهای من هنوز از دوش من مرطوب است

نپذیرفتن

نپذیرفتن چیزی تصور غلط بودن آن است
الکس رفتار پسرش را رد کرد

بجز

شما استفاده می کنید به جز را برای صحبت کردن در مورد تنها چیزی که به کار نمی رود
در سفر همه سرگرم بودند به جز جیم که کل سفر بیمار بود

پرواز

پرواز عمل پرواز کردن است که اغلب در هواپیما انجام می شود
هواپیما به دور دنیا پرواز کرد

دوست داشتن

وقتی کسی به چیزی علاقه دارد ، آن را دوست دارد
من خیلی به کیک شکلاتی علاقه دارم

غیراخلاقی

وقتی چیزی یا کسی غیراخلاقی باشد ، شرور یا بد است
سرقت پول از مادر خود عملی غیراخلاقی است

پیچک

پیچک گیاهی با تاک بلند است که به طور معمول روی دیواره ها به سمت بالا رشد می کند
دیوارهای قلعه پوشیده از پیچک است

ناله

ناله کردن این است که هنگام احساس درد یا ناراحتی صدای کمی ایجاد کنید
مرد بیمار از رختخواب خود ناله کرد

بی توجه

اگر کسی از چیزی غافل باشد ، از آن بی خبر است
دیر به مدرسه رسیدم چون از آن زمان غافل بودم

هلاک شدن

هلاک شدن یعنی مردن ، معمولاً به دلیل شرایط بد یا اتفاقات بد
بسیاری از مردم در جنگ ها از بین می روند

گودال

گودال یک سوراخ بزرگ در زمین است
مایکل در گودال افتاد و برای بیرون آمدن به کمک نیاز داشت

لبه

لبه سطح خارجی یک چیز گرد است ، مانند یک فنجان یا بطری
لبه‌هایم را به لبه بطری گذاشتم و یک نوشیدنی خوردم

لانه

لانه جایی است که پرندگان می توانند در آن فرود بیایند و استراحت کنند یا بخوابند
خانواده کبوترها بالای درخت یک لانه درست کردند

لغزنده

اگر چیزی لغزنده باشد ، مرطوب یا نرم است و باعث لغزش افراد می شود
تعمیرکار به دلیل لغزندگی بیش از حد روی زمین افتاد

اوج گرفتن

اوج گرفتن یعنی پرواز کردن در هوا
با طلوع خورشید ، دو عقاب در آسمان اوج گرفتند

بدیهی

اگر چیزی پیش پا افتاده باشد ، مهم یا معنادار نیست
تلویزیون بی اهمیت است ، اما یادگیری خواندن بسیار مهم است

معمول

اگر چیزی معمولی باشد ، برای نوع خاصی از چیزها طبیعی است
پارس یک رفتار معمول برای سگ ها است

کاملاً

اگر چیزی کاملاً راهی باشد ، کاملاً چنین است
وقتی خورشید توسط ماه مسدود شد ، بیرون کاملاً تاریک بود

اشک ریختن

اشک ریختن یعنی گریه کردن
خواهرم به من گفت که فیلم دراماتیک باعث گریه من خواهد شد

روباه حيله گر

روباهی بود که در جنگل زندگی می کرد. روباه دوست داشت در مورد حیوانات دیگر نیرنگ بازی کند. روزی از لبه تیز بطری
برای حفر گودالی در زمین استفاده کرد. او در درختی پنهان شد تا اینکه خرگوش به لبه گودال آمد. سپس ، او بیرون پرید و
خرگوش را به داخل گودال هل داد. روباه خندید و فرار کرد. خرگوش عصبانی بیرون آمد و به حیوانات دیگر گفت که چه
اتفاقی افتاده است.

بقیه گفتند: "این یک رفتار عادی برای روباه است. او همیشه منظور دارد. گاهی اوقات او کاملاً غیراخلاقی است. همه ما

عملکرد او را رد می کنیم ، بنابراین باید به او درس عبرت بدهیم.

روز بعد ، همه حیوانات در نزدیکی گودال پنهان شدند و منتظر روباه بودند. روباه از حیوانات پنهان غافل بود. او به طرف گودال بالا رفت تا ببیند که خرگوش هنوز گیر افتاده است. همان موقع ، حیوانات دیگر به طرف روباه دویدند و او را هل دادند. همه حیوانات خندیدند و تشویق کردند ، البته به جز روباه.

روباه نمی توانست بیرون بیاید! دیواره های گودال پوشیده از پیچک مرطوب بود. برای او بالا رفتن بیش از حد لغزنده بود. او کاملاً درمانده بود. ناله کرد و شروع به گریه کرد.

سرانجام ، او عقاب را دید که از لانه اش او را تماشا می کند. او فریاد زد: "عقاب ، لطفاً کمک کن! اگر از اینجا بیرون نروم ، هلاک می شوم!"

عقاب گفت: "ممکن است فکر کنید ترفندهایتان پیش پا افتاده است ، اما در صورت انجام کارهای ناپسند دیگران را آزار می دهید. اگر قول دهید که خوب باشید به شما کمک می کنم."

روباه گفت: "قول می دهم!"

عقاب پرواز خود را به پایین گودال آغاز کرد. او روباه را با منقارش برداشت و از گودال اوج گرفت. او روباه را به سلامت روی زمین انداخت.

روباه از عقاب تشکر کرد و به قول خود عمل کرد. او با سایر حیوانات خوش برخورد بود. حیوانات حتی به روباه علاقه مند شدند و جنگل مکان شادی بود.